

جنون ازدیدگاه حقوق کیفری ایران

دکتر محمد جعفر حبیب زاده_ دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

انور احمدی_ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

جنون بزه‌کار، یکی از موضوع‌های مهم حقوق کیفری در قلمرو مسؤولیت کیفری است. این حالت در صورتی که درحین ارتکاب جرم حادث شده باشد از جمله عوامل رافع مسؤولیت کیفری محسوب شده، در نتیجه مجازات را منتفی می‌کند. جنون حادث پس از ارتکاب جرم رافع مسؤولیت کیفری نبوده، در نتیجه مسقط کیفر نیست؛ ولی اگر قبل از صدور حکم قطعی باشد، موجب توقف تعقیب مرتکب تا زمان افاقه می‌شود. اجرای کیفر (به استثنای کیفرهای مالی و سالب حق) بر بزه‌کارانی که پس از صدور حکم قطعی و درحین اجرای مجازات به جنون مبتلا شده‌اند با اهداف کیفرها در تعارض است؛ بنابراین مراجع قانون‌گذاری و قضایی باید به سوی منع اجرای تدابیر سرکوب‌گرانه (کیفرها) بر چنین مجرمانی - مانند مجرمانی که درحین ارتکاب جرم به جنون مبتلا شده‌اند - گام بردارند و تدابیر پیش‌گیرانه (اقدامات تامینی) را با توجه به طبع و ویژگی‌های آن‌ها در مورد مطلق مجرمان مجنون خطرناک مورد حکم قرار دهند.

واژگان کلیدی: جنون، مجرم، مجازات، اقدام تامینی

مقدمه

جنون یکی از موضوع‌های مهم در بحث مسؤولیت کیفری است و با توجه به زمان حدوث آن در شخص بزه‌کار، موجب اتخاذ تصمیمات متفاوتی از طرف مقام قضایی ذی‌صلاح در طول فرآیند دادرسی کیفری می‌شود. حقوق کیفری کهن به این مهم توجه نداشت؛ به گونه‌ای که در ایام باستان، ارتکاب مادی عمل، صرف نظر از خصوصیات مرتکب، وی را در معرض مجازات قرار می‌داد. با این توضیح که هر گاه شخصی مرتکب جرم می‌گردید، خواه از سلامت عقل بهره‌مند باشد یا خیر، مستحق مجازات بود (۱، ج ۳، ص ۵). برای مثال، طبق متون الواح دوازده‌گانه (۴۵۱-۴۵۸ قبل از میلاد) کسانی که مبتلا به جنون بودند از آزادی عمل، اداره امور شخصی، کسب و کار محروم می‌شدند (۲، ص ۱۲۲). اما به تدریج با پیشرفت علوم مختلف - خاصه علوم روان‌شناسی و روان‌پزشکی و نفوذ یافته‌های این علوم در علم حقوق - حالت‌های روانی بزه‌کار نیز مورد

توجه حقوق کیفری قرار گرفت؛ به طوری که تحت تاثیر عقاید پزشک نامی فرانسه، فلیپ پنیل و شاگردش ژان اسکیرول، اصل عدم مسؤولیت کیفری مبتلایان به جنون، در قانون سال ۱۸۱۰ فرانسه پذیرفته شد. (۲، ص ۱۲۴). به همین دلیل گفته شده است عدم مسؤولیت بزه کاران دیوانه امری است که در دوران‌های اخیر تحت افکار انسانی و عطوفت آمیز عده ای از فلاسفه و جرم‌شناسان پذیرفته شده و در گذشته مورد قبول نبوده است. (۳، ج ۲، ص ۳۱). اما اصل مذکور، چندین قرن قبل از آن در حقوق اسلام پذیرفته شده بود. جنون در لغت در معانی مختلف از جمله پوشیدن شب، در آمدن شب (۴، ج ۵، ص ۷۸۸۳) زایل شدن عقل، تباه گشتن عقل، دیوانگی و بیماری دماغی آمده است. (۵، ج ۱، ص ۷۰۷). در اصطلاح نیز برای جنون تعاریف مختلفی بیان شده است، به گونه ای که برخی از حقوق دانان «افول تدریجی و برگشت ناپذیر حیات روانی انسان یعنی توانایی درک، احساس و اختیار را جنون گفته اند (۶، ج ۲، ص ۷۹) و برخی دیگر، زوال عقل و فقدان شعور را جنون نامیده اند (۷، ص ۵۹). در روان‌شناسی تعریف وسیع تری از جنون شده است که شامل بیماری‌های مختلف است و با جنون از لحاظ حقوقی متمایز است. به همین دلیل گفته شده است اصطلاح حقوقی جنون فقط به توانایی شناختی شخص توجه دارد و توانایی‌های عاطفی یا احساسی او را در بر نمی‌گیرد. (۸، ص ۳۴۸). در این مقاله با بررسی موضوع جنون در حقوق موضوعه ایران، اثر جنون در حین ارتکاب جرم و جنون حادث پس از ارتکاب جرم و واکنش‌های اجتماعی علیه مجرمان مجنون را بررسی می‌کنیم.

بحث و بررسی

۲_ جنون در حقوق موضوعه ایران

به موجب ماده (۴۰) قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ «کسی که در حال ارتکاب جرم مجنون بوده یا اختلال دماغی داشته باشد، مجرم محسوب نمی‌شود و مجازات نخواهد شد. ولی در صورت بقای جنون باید به دارالمجانین تسلیم شود.» این ماده از ماده (۶۴) قانون مجازات قدیم فرانسه گرفته شده بود که براساس آن جنون در حین ارتکاب جرم، وصف مجرمیت را منتفی می‌کرد. پس از این قانون در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ واژه‌های فقدان شعور، اختلال تام قوه‌ی تمیز و اراده، جایگزین اصطلاح جنون گردید

ماده (۳۶)؛ به طوری که اگر مرتکب جرم در حین ارتکاب جرم به علل مادرزادی یا عارضی فاقد شعور یا به اختلال تام قوه‌ی تمیز یا اراده دچار بود، مجرم محسوب نمی‌شد (بند الف، ماده ۳۶) و در نتیجه چنین شخصی قابل مجازات نبود. اگر شخص مجرم در حین ارتکاب عمل مجرمانه دارای اختلال تام قوه تمیز نبود، ولی دارای اختلال نسبی شعور یا قوه‌ی تمیز یا اراده بود، به حدی که در ارتکاب جرم موثر واقع می‌شد، قابل مجازات بود. اما مجازات چنین شخصی برحسب نوع جرم (جنایت یا جنحه) خفیف تر از مجازات اشخاص سالم بود (بند ب، ماده ۳۶). بنابراین قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲، بین اختلال تام قوه‌ی تمیز یا اراده و اختلال نسبی آن تفاوت قائل بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مقنن دوباره مطلق واژه جنون را جایگزین اصطلاحات مذکور کرد (ماده (۲۷) قانون تعزیرات سال ۶۱ و ماده (۵۱) قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰) و تفکیک مذکور را از بین برد.

در نظام حقوقی کامن لاء، جنون زیر عنوان دفاعیات^(۱) یا معذوریت‌ها^(۲) آمده است. ضابطه قانونی برای اثبات جنون در سال ۱۸۴۳، به وسیله قواعد مک ناتن^(۳) وضع شد که به موجب آن «متهم باید در زمان ارتکاب عمل به آنچنان نقصان عقلی ناشی از یک بیماری دماغی دچار باشد که ماهیت و کیفیت عمل خود را درک نکرده و یا اگر درک می‌کرده است، نسبت به بدی و قبح عمل خود ناآگاه بوده باشد» (۹، صص ۱۱۰-۱۰۹). توسل به دفاع جنون در این نظام و اثبات آن، موجب نگهداری طولانی مدت بزه‌کار مجنون در بیمارستان روانی می‌شود. به همین دلیل متهمان کمتر به این دفاع متوسل می‌شوند و در جرایمی مانند قتل عمد به ویژه از زمان لغو مجازات اعدام، دفاع مبتنی بر مسؤولیت تقلیل یافته^(۴) را بر دفاع مبتنی بر جنون ترجیح می‌دهند؛ زیرا در این حالت توسل به دفاع مبتنی بر مسؤولیت تقلیل یافته، موجب می‌شود شخص به قتل غیر عمد محکوم شود و از ماندن در بیمارستان به مدت نامعلوم رهایی یابد. همچنین اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی، از اصل عدم مسؤولیت کیفری افراد مجنون تبعیت کرده و یکی از موارد سلب مسؤولیت کیفری متهم را طبق ماده (۳۱)، حالتی دانسته است که: «آن فرد از یک بیماری یا نقص دماغی رنج می‌برد که وی را از درک ماهیت یا غیر قانونی بودن عمل خود یا از توانایی لازم برای کنترل عملش جهت منطبق کردن آن بر قانون، محروم می‌سازد». بدیهی است، استناد به دفاع جنون، به عنوان عامل رافع مسؤولیت، در مواردی

ممکن است که شخص متهم در زمان ارتکاب جرم، مجنون باشد و شامل حالتی که وی در آن زمان مجنون نبوده، ولی در زمان محاکمه مجنون شده است، نمی شود (۱۰، صص ۷-۸).

به موجب ماده (۵۱) قانون مجازات اسلامی «جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسؤولیت کیفری است.» نخستین مسأله ای که به ذهن متبادر می شود، معنای عبارت «جنون به هر درجه که باشد» است.

برداشت های مختلفی از عبارت مذکور شده است: اولاً؛ تهیه کنندگان قانون با به کار بردن جمله «جنون به هر درجه که باشد» حتی موارد بیماری های روانی را نیز که در مرز سلامتی و جنون قرار دارند، مورد توجه قرار داده و این گونه بیماران می توانند از معافیت ماده (۵۱) استفاده کنند (۱۱، ص ۳۰۵). هر چند تبصره ماده (۵۱) به نوعی موید این برداشت است، اما نتیجه پذیرش چنین برداشتی این است که تقریباً دیگر هیچ کس مجرم محسوب نمی شود؛ زیرا اغلب مجرمان به هنگام ارتکاب جرم دارای اندک اختلال روانی هستند. ثانیاً؛ قانون گذار به منظور رعایت اصول و موازین شرعی خاصه شرایط عامه تکلیف، جنون را به معنی زوال عقل - که با مفهوم عرفی دیوانگی مترادف است - استعمال کرده است (۱۲، ص ۳۰۴). بنابراین هر نوع بیماری روانی که جنون تشخیص داده شود، به نحوی که قدرت تشخیص را زایل نموده باشد، موجب زوال مسؤولیت جزایی می گردد (۱۳، ص ۲۴۳)، بنابر این تبصره ای ماده مذکور، زائد است.

به طور کلی، این سبک قانون گذاری در مورد جنون چندان قابل دفاع نیست؛ زیرا قلمرو اصل عدم مسؤولیت جزایی را در عمل گسترش می دهد، حتی ممکن است ابتلای به بیماری های روانی خفیف نیز، مشمول حکم ماده (۵۱) قرار گیرد.

به موجب ماده (۵۱) قانونی مجازات اسلامی «جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسؤولیت کیفری است»، بنابراین جنون به دو شرط از مجنون رفع مسؤولیت کیفری می کند. یکی تقارن جنون با جرم و دیگری تلازم جنون با جرم (۶، ج ۲، ص ۸۲).

در دیدگاه حقوق کیفری کلاسیک، تقارن زمانی جنون با جرم شرطی کاملاً منطقی است؛ زیرا برای تعیین شروط عینی و شخصی وجود مسؤولیت کیفری، همواره باید به زمان وقوع جرم بازگشت (۶، ج ۲، ص ۸۲).

بنابراین آنچه اهمیت دارد این است که شخص در حال ارتکاب جرم به این حالت مبتلا شده باشد و ابتلای به جنون قبل یا بعد از ارتکاب جرم تاثیری در رفع مسؤولیت کیفری وی ندارد.

تقارن جنون با جرم به تنهایی برای رفع مسؤولیت کیفری کافی نیست بلکه روان‌پزشکان برای جنون شرط دیگری در عمل قائل شده اند که از عبارت «جنون در حال ارتکاب جرم» نیز فهمیده می‌شود و آن ارتباط جنون با جرم است. چه بسا ممکن است جرمی که مجنون، متهم به آن است هیچ گونه ارتباطی با وضع یا بیماری روانی او نداشته باشد. در این حال، رفع مسؤولیت از مجنون دشوار است (۶، ج ۲، صص ۸۴-۸۵).

۱- جنون در حین ارتکاب جرم

طبق ماده (۵۱) قانون مجازات اسلامی، این حالت از جمله عوامل رافع مسؤولیت کیفری محسوب شده است. بنابراین آنچه اهمیت دارد این است که جنون در حین ارتکاب جرم حادث شده باشد و تفاوتی نمی‌کند که جنون از نوع دائمی یا ادواری باشد. چنین شخصی از درک اعمال ارتكابی خود عاجز است. بنابراین تکلیفی متوجه وی نیست. شخص مجنون مخاطب اوامر و نواهی قانون‌گذار نیست؛ زیرا رفتار وی ناشی از تعقل و تفکر صحیح نیست و اعمال ارتكابی وی قابلیت بعث و زجر را ندارد. به دلیل قابل ملامت نبودن اعمال ارتكابی شخص مجنون، مسؤولیت کیفری متوجه وی نبوده، در نتیجه وی به خاطر اعمال مجرمانه خود مجازات نمی‌شود؛ زیرا اجرای کیفر در مورد چنین اشخاصی که عاجز از درک حسن و قبح اعمال ارتكابی خود هستند، با اهداف کیفرها یعنی اصلاح و عبرت‌آموزی در تعارض است. جنون، حالتی است که برای تشخیص و احراز آن باید به کارشناس روان‌پزشک متوسل شد که در این صورت مقام قضایی، نظر کارشناس را در خصوص امر جلب می‌نماید. هر چند ملزم به تبعیت از نظر کارشناس نیست و نظر کارشناس برای وی جنبه‌ی طریقییت دارد و نه موضوعیت. اگر نظر کارشناس مربوط با اوضاع و احوال محقق و مسلم قضیه موافق نباشد، نظر کارشناس دیگری را جلب می‌کند؛ زیرا «جنون فرض و اماره قانونی نیست لذا باید در هر مورد وجود آن ثابت شود» (۱۳، ص ۲۴۳). مقام قضایی ذی‌صلاح با احراز جنون در حین ارتکاب جرم، باید مبادرت به صدور قرار موقوفی تعقیب نماید؛ زیرا ماده (۹۵) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، همین امر را مورد توجه قرار داده و اصدار قرار موقوفی تعقیب را در این حالت ضروری دانسته است:

«هرگاه قاضی تحقیق در جریان تحقیقات متوجه شود که متهم هنگام ارتکاب جرم، مجنون بوده است تحقیقات لازم را از کسان و نزدیکان او و سایر مطلعین به عمل آورده و نظریه پزشک متخصص را در این مورد تحصیل، مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند و پرونده را به دادگاه ارسال می‌دارد. دادگاه پس از بررسی پرونده، هرگاه تحقیقات قاضی تحقیق و اهل خبره را کافی دید و از صحت آن مطمئن شد، از نظر جزایی قرار موقوفی تعقیب صادر و در مورد دیه یا خسارات مالی در صورت مطالبه، حکم مقتضی صادر می‌نماید.» در این ماده، صدور قرار موقوفی تعقیب از اختیارات دادگاه دانسته شده است و با توجه به اینکه احراز جنون امری مشکل است، بنابراین دادسرا باید در این خصوص، با احراز بزه، پرونده را با صدور قرار مجرمیت و به دنبال آن صدور کیفرخواست، به دادگاه ارسال کند تا دادگاه در این زمینه تصمیم نهایی را اتخاذ نماید. جنون حین ارتکاب جرم از عوامل رافع مسؤولیت کیفری به حساب می‌آید؛ در نتیجه فقط از مجرم مجنون، رفع مسؤولیت کیفری می‌کند؛ زیرا عوامل رافع مسؤولیت کیفری، عوامل شخصی هستند و به خود شخص مرتکب مربوط می‌شوند، در نتیجه تاثیری در حق شرکاء و معاونین جرم ندارند، مگر آن‌ها هم از این عوامل شخصی برخوردار باشند.

۳- جنون حادث پس از ارتکاب جرم

در این حالت، مجرم هنگام ارتکاب عمل مجرمانه از سلامت روان و کمال عقل بهره مند بوده است، اما پس از ارتکاب جرم و در طی مراحل تعقیب، رسیدگی یا پس از صدور حکم قطعی و به هنگام اجرای مجازات به جنون مبتلا شده است. ابتلای متهم به جنون، پس از وقوع جرم از موانع تعقیب دعوای عمومی است که با هدف اعطای حق دفاع به متهم صورت می‌گیرد و طبیعی است که پس از رفع مانع، به استناد اصل تساوی افراد در مقابل قوانین و نیز قاعده‌ی قانونی یا الزامی بودن تعقیب، دعوای عمومی جریان خود را دوباره از سرگرفته، محاکمه طبق ضوابط قانونی به عمل خواهد آمد (۴، ج ۱، صص ۲۰۲-۲۰۱).

جنون حادث پس از ارتکاب جرم را می‌توان با توجه به مقررات قانونی در این زمینه به جنون حادث قبل از صدور حکم قطعی و جنون حادث پس از صدور حکم قطعی و به هنگام اجرای مجازات تقسیم بندی کرد.

الف - جنون حادث قبل از صدور حکم قطعی

این حالت شامل مراحل تعقیب و محاکمه است؛ زیرا این مراحل از فرایند دادرسی کیفری، قبل از صدور حکم قطعی هستند. در این مراحل، چنانچه متهم به جنون مبتلا شود، تعقیب و محاکمه شخصی که از سلامت روان و کمال عقل بهره مند نیست با تعقیب و محاکمه عادلانه که ضامن حفظ حقوق دفاعی متهم است، سازگار نیست. ماده (۸۹) قانون آیین دادرسی کیفری سابق در این خصوص «تقاضا نامه‌ی ترک تعقیب» را پیش بینی کرده بود. تقاضا نامه‌ی ترک تعقیب (به شرح مندرج در ماده (۸۹) قانون آیین دادرسی کیفری) که باید از سوی دادستان برای مستنطق ارسال گردد، ظاهراً ناظر به جنون موقت متهم پس از وقوع جرم است و به این علت شروع مجدد تعقیب پس از رفع حالت جنون نیز مغایرتی با تقاضا نامه مذکور ندارد (۵، ج ۱، ص ۱۶۰). در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸، جنون حادث قبل از صدور حکم قطعی، طبق تبصره ماده (۶) قانون مذکور، از موجبات توقف تعقیب تا زمان افاقه متهم به حساب آمده است. ظاهراً با توجه به عبارت «تا زمان افاقه» این حالت ناظر به جنون موقت است و پس از افاقه متهم، تعقیب وی مجدداً شروع می شود و در این حالت اقدام مقام قضایی باید به صورت قرار توقف تعقیب متجلی شود. اما اقداماتی که برای حفظ دلایل و امارات جرم لازم است و نیز تحقیق از شهود، انجام می شود ولی اقداماتی که مستلزم دفاع متهم باشد، انجام نمی شود؛ زیرا چنین شخصی قادر به دفاع از خود در مقابل اتهامات مطروح نیست. برای مرحله‌ی محاکمه نیز، این تبصره قابل اعمال است. «زیرا لحن قانون گذار در تبصره ماده (۶) به گونه ای است که ظاهراً تفاوتی بین مرحله‌ی تعقیب و مرحله دادرسی قائل نگردیده است و مرحله‌ی دادرسی نیز مرحله ای قبل از صدور حکم قطعی است» (۱۶، ج ۱، ص ۷۳). بنابراین در این مرحله هم با حدوث جنون، تعقیب به مفهوم محاکمه متوقف می شود. اما اگر طبق نظر کارشناس (روان پزشک) جنون متهم در این فرض دائمی باشد، تکلیف چیست؟ مقنن در این مورد حکمی را بیان نکرده است اما می توان گفت در صورتی که طبق نظر کارشناسان ابتلای متهم به جنون در فرض اخیر دائمی باشد و این مطلب مورد قبول دادگاه قرار گیرد، جنون را باید در ردیف سایر موارد سقوط دعوای عمومی -مانند عفو و گذشت- تلقی کرد و به اصدار قرار موقوفی تعقیب مبادرت ورزید (۱۵، ج ۱، ص ۱۶۰).

ب- جنون حادث پس از صدور حکم قطعی و به هنگام اجرای مجازات

در این فرض، متهم تا زمان صدور حکم قطعی در حالت افاقه بوده، اما پس از صدور حکم قطعی و به هنگام اجرای مجازات، جنون بر وی عارض شده است. در این حالت، طبق مقررات کیفری کشورمان، جنون مسقط کیفر نیست؛ در حالی که حکم عادلانه و منصفانه این است که «جنون پس از صدور حکم محکومیت یا در جریان مجازات را، باید از مسقطات مجازات محسوب کرد.» (۱۵، ج ۱، ص ۱۶۰)؛ زیرا اجرای مجازات‌ها در حال جنون با اهداف آن‌ها در تعارض آشکار است و اصلاح بزه‌کاران و عبرت‌آموزی سایرین در این حالت منتفی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مقنن با تأسی از فقه اسلامی، مقررات کیفری را متناسب با موازین فقهی تدوین نموده و در این مورد بر حسب نوع مجازات (ماده (۱۲) قانون مجازات اسلامی) احکام خاصی را پیش‌بینی کرده است.

به نظر فقها «اگر اجرای حدی بر شخصی واجب گردد و سپس جنون عارض وی شود حد ساقط نمی‌شود بلکه در حال جنونش حد جاری می‌شود و افاقه وی انتظار کشیده نمی‌شود» (۱۷، ص ۳۳) به همین دلیل، در مواد (۹۵) و (۱۸۰) قانون مجازات اسلامی، در باب حدود آمده است «هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود، حد از او ساقط نمی‌شود». با عنایت به فلسفه‌ی منع اجرای کیفر در حال جنون و اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و بر اساس نظریه شماره ۷/۵۸۶۸ مورخ ۷۲/۹/۳۰ «مادتین (۹۵) و (۱۸۰) قانون مجازات اسلامی، فقط در جرایم زنا و مسکر مصداق دارد و در سایر جرایم نباید به اجرا درآید.» (۱۸، ص ۲۷۷). زیرا مواد مذکور در باب حد زنا و شرب خمر آمده است. در باب مجازات‌های تعزیری، در ماده (۲۸۹) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، پیش‌بینی شده است که: «جنون بعد از صدور حکم و فرار محکوم علیه در حین اجرای حکم، موجب سقوط مجازات تعزیری نیست». بنابراین جنون بعد از صدور حکم و در حین اجرای مجازات، مسقط کیفر تعزیری نیست. با عنایت به فلسفه‌ی منع اجرای مجازات در حال جنون، می‌توان گفت، اجرای مجازات در چنین حالتی تا زمان افاقه مجرم به تعویق می‌افتد و به هنگام افاقه و بهبودی، کیفر مورد حکم در مورد وی اجرا می‌شود. اما اگر جنون در چنین حالتی دائمی باشد، اجرای کیفر در مورد وی، از دیدگاه حقوق کیفری مورد پذیرش نیست؛ زیرا از اجرای مجازات در این حالت، هیچ هدفی دنبال نمی‌شود. در ماده (۳۲۲) پیش‌نویس لایحه آیین دادرسی کیفری جدید- تهیه شده از سوی

قوه قضائیه - کما فی سابق، جنون حادث پس از صدور حکم، مسقط کیفر تعزیری دانسته نشده است، اما تعویق اجرای حکم را تا زمان افاقه‌ی محکوم علیه بیش بینی کرده است (به استثنای کیفرهای مالی). اما در پاسخ به این سوال که اگر جنون در چنین فرضی دائمی باشد، تکلیف چه خواهد بود، حکمی را پیش بینی نکرده است.

در زمینه مجازات حبس برای اشخاصی که پس از صدور حکم و در حین اجرای مجازات به جنون مبتلا شده اند، راه کارمطلوبی در ماده (۳۷) قانون مجازات اسلامی (نشأت گرفته از ماده واحده‌ی قانون تعیین تکلیف محکومین مبتلا به جنون سال ۱۳۰۸) پیش بینی شده است: «هر گاه محکوم به حبس که در حال تحمل کیفر است قبل از اتمام مدت حبس، مبتلا به جنون شود با استعلام از پزشک قانونی در صورت تایید جنون محکوم علیه، به بیمارستان روانی منتقل می شود و مدت اقامت او در بیمارستان جزء محکومیت او محسوب خواهد شد. در صورت عدم دسترسی به بیمارستان روانی به تشخیص دادستان در محل مناسبی نگهداری می شود». بنابراین در این حالت، انتقال به بیمارستان روانی یا محل مناسب، برای این گونه اشخاص در نظر گرفته شده است و مدت نگهداری در آنجا، جزء مدت محکومیت او به حساب می آید. بعد از رفع حالت جنون، محکوم علیه باید برای تحمل مدت محکومیت باقی مانده به زندان برگردانده شود، اما برخی حقوق دانان معتقدند: «اعاده مجنون بهبود یافته به زندان نه توقعات مجازات را برآورده می کند و نه عادلانه است. به اعتقاد ما جنون در حال اجرای حکم در هر حال مسقط مجازات است و این مساله را نه ما بلکه داده‌های روان‌شناختی نیز تایید می کند.» (۱۱، ص ۴۴۵). بنابراین ضروری است جنون حادث در زمان اجرای حکم، در صورتی که دائمی باشد و امکان افاقه مرتکب وجود نداشته باشد، مسقط کیفر باشد ولی اجرای کیفرهای مالی و سالب حق در این حالت اشکالی ندارد؛ زیرا اعمال این‌گونه کیفرها ارتباطی با مسأله ناتوانی محکوم دیوانه در درک مسائل ندارد (۳، ج ۲، ص ۳۸).

۴- واکنش های اجتماعی علیه مجرمان مجنون

هنگامی که پدیده‌ی مجرمانه به وقوع می پیوندد، نظام عدالت کیفری وارد عمل می شود تا پس از انجام رسیدگی های لازم با احراز بزه کاری، متهم را به تحمل مجازات یا اقدامات تامینی محکوم نماید. مرحله‌ی

اجرای کیفر، آخرین مرحله فرایند دادرسی کیفری است که در آن واکنش اجتماعی به صورت سرکوب‌گرانه یا پیش‌گیرانه در قبال پدیده بزه آشکار می‌شود. اکنون واکنش‌های اجتماعی سرکوب‌گرانه و پیش‌گیرانه را در قبال مجرمان مجنون مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

الف - واکنش‌های اجتماعی سرکوب‌گرانه

فردی که در حین ارتکاب عمل مجرمانه، به جنون مبتلا شده است، مسؤول اعمال ارتكابی خود نیست و نمی‌توان چنین شخصی را به انجام یا عدم انجام عملی وادار کرد؛ زیرا اعمال وی ناشی از تعقل نیست و او تصویری از حسن و قبح اعمال ارتكابی خود ندارد. بنابراین اعمال مجرمانه شخصی که در حین ارتكاب جرم مجنون بوده، قابل ملامت نیست، در نتیجه مسؤولیت کیفری چنین شخصی منتفی است؛ زیرا مسؤولیت کیفری متوجه اشخاصی می‌شود که قابلیت انتساب اعمال مجرمانه به خود را داشته باشند، اما جنون حادث در حال ارتكاب جرم، از جمله عواملی است که این قابلیت انتساب را قطع می‌کند؛ در نتیجه رافع مسؤولیت کیفری محسوب می‌شود و مجازات را منتفی می‌کند. اگر جنون پس از ارتكاب جرم حادث شود، طبق قوانین کیفری ما از عوامل رافع مسؤولیت کیفری به حساب نمی‌آید، در نتیجه اجرای کیفر در حق چنین افرادی به قوت خود باقی است، ولی در این حالت، باید اجرای کیفر را تا زمان افاقه مرتکب، به تاخیر انداخت، اما اگر جنون حادث در زمان اجرای مجازات دائمی باشد، لازم است چنین امری، مسقط کیفر باشد؛ زیرا اجرای کیفر در حال جنون با اهداف کیفرها یعنی اصلاح بزه‌کاران و عبرت آموزی دیگران در تعارض است و مجرم مجنون در چنین حالتی نمی‌داند برای چه او را مجازات می‌کنند؛ در نتیجه اصلاح وی منتفی است. همچنین دیگران از مجازات کردن او عبرت نخواهند گرفت، به این علت که اجرای کیفر در حال جنون ناعادلانه است. در ماده (۳۷) قانون مجازات اسلامی و تبصره‌ی ماده (۲۹۱) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، در خصوص محکومیت حبس در مورد شخصی که در حین تحمل کیفر حبس، مبتلا به جنون می‌شود، روی‌کرد مطلوب و منطبق با اصول حقوق کیفری پیش‌بینی شده است، به گونه‌ای که یک نوع اقدام تأمینی درمانی یعنی انتقال به بیمارستان روانی یا محل مناسب را برای این گونه مجرمان در نظر گرفته است. در حالی که اجرای مجازات‌های مالی و سالب حق، در حال جنون، بر مجرمی

که جنون پس از محکومیت بر وی عارض شده، فاقد ایراد است؛ به این علت که اجرای کیفرهای مالی در مورد چنین شخصی با ناتوانی او در درک مسائل ارتباطی ندارد.

ب - واکنش های اجتماعی پیش گیرانه

هر چند اجرای کیفر علیه مجرمان مجنون با هیچ یک از اهداف کیفرها سازگاری ندارد، اما اگر بررسی شخصیت چنین افرادی، وجود حالت خطرناک را در آنان نمایان سازد، می توان با به کار گیری یکسری اقدامات پیش گیرانه از میزان تهدید و خطر آنها کاست؛ زیرا معافیت از مجازات، مانع بررسی خصوصیات و سوابق روحی و اخلاقی بزه کار مجنون نیست. بنابراین جامعه حق دارد در مقابل تهدید و خطر بزه کاران دیوانه ی خطرناک، به یک سلسله تدابیر پیش گیرانه و تأمینی روی آورد. الزام بزه کاران دیوانه به پذیرش این اقدامات از باب تقصیری که مرتکب شده اند نیست، بلکه از باب تهدید و خطری است که ممکن است نظم اجتماعی را در آینده تهدید کند و این گونه اقدامات بر خلاف کیفرها ناظر به گذشته نیست بلکه برای پیش گیری از وقوع جرم در آینده توسط مجرمین خطرناک است و این مجرمین خطرناک تفاوتی نمی کند سالم یا مجنون باشند. ماده (۵۲) قانون مجازات اسلامی با بینش واقع بینانه، این امر را مد نظر قرار داده است: «هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب جرم مجنون بوده و یا پس از حدوث جرم مبتلا به جنون شود، چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص ثابت باشد، به دستور دادستان تا رفع حالت مذکور در محل مناسبی نگهداری خواهد شد و آزادی او به دستور دادستان امکان پذیر است. شخص نگهداری شده و یا کسانی می توانند به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد مراجعه و به این دستور اعتراض کنند. در این صورت دادگاه در جلسه اداری با حضور معترض و دادستان و یا نماینده او موضوع را با جلب نظر متخصص خارج از نوبت رسیدگی کرده و حکم مقتضی در مورد آزادی شخص نگهداری شده با تایید دستور دادستان، صادر می کند. این رای قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا کسانی هرگاه علایم بهبودی را مشاهده کردند، حق اعتراض به دستور دادستان را دارند.» اقدامات تأمینی که برای مقابله با حالت خطرناک بزه کاران توسط دادگاه اتخاذ می شود، در قانون اقدامات تأمینی ۱۳۳۹ مورد حکم قرار گرفته است. طبق ماده (۱) قانون مذکور «اقدامات تأمینی عبارتند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه یا

جنایت) درباره مجرمینی خطرناک اتخاذ می کند. مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و جرم ارتکابی، آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار می دهد اعم از اینکه قانوناً مسؤول باشند یا غیر مسؤول. صدور حکم اقدام تامینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم شده باشد. « بنابراین تدابیر تامینی در مورد مجرمین خطرناک قابل اعمال است اعم از اینکه آنها مسؤول یا غیرمسؤول باشند؛ زیرا این اقدامات برای پیش گیری از وقوع جرم آتی است که بر مبنای حالت خطرناک مجرم اتخاذ می شود و به میزان تقصیر وی بستگی ندارد. از آنجا که هدف اصلی از اجرای این گونه اقدامات، پیش گیری است و به طبع آن فاقد ویژگی های مجازات، اتخاذ و اجرای این اقدامات در مورد مجرمان مجنون دارای حالت خطرناک، نه تنها مضر نیست بلکه نوعی اقدام درمانی محسوب می شود و به همین دلیل در ماده (۴) لایحه ی قانونی اقدامات تامینی نگهداری مجرمین مجنون و مختل المشاعر در تیمارستان مجرمین، در صورت وجود حالت خطرناک مورد حکم قرار گرفته است؛ زیرا نفع جامعه و چنین اشخاصی در اتخاذ و اجرای چنین تدابیری در مورد آنها است.

۵- نتیجه

برای تحقق مسؤولیت کیفری، علاوه بر وقوع رفتار مجرمانه، احراز اهلیت مرتکب جرم و قابلیت انتساب جرم واقع شده به وی ضروری است. جنون از آن دسته عواملی است که قابلیت انتساب رفتار مجرمانه به مرتکب را منتفی می کند، در نتیجه رافع مسؤولیت کیفری است، اما این مهم در صورتی محقق می شود که جنون در حین ارتکاب جرم حادث شده باشد. در حقوق کیفری کشورمان، جنون حادث پس از ارتکاب جرم، مسقط کیفر نیست؛ هر چند ممکن است حسب مورد، موجب توقف تعقیب و یا تاخیر در اجرای کیفر شود. به طور کلی نتایج این مقاله را می توان به شرح ذیل بیان کرد:

۱- واژه جنون، واژه مجملی است. بنابراین بهتر است همان اصطلاحات فقدان شعور و اختلال تام قوهی تمیز و اراده قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ جایگزین این واژه گردد.

۲- عبارت «جنون به هر درجه که باشد» موجب برداشت‌ها و تفسیرهای مختلف می‌شود؛ حتی ممکن است قلمرو اصل عدم مسؤولیت کیفری را در عمل گسترش دهد. بنابراین ضروری است عبارت مذکور اصلاح گردد.

۳- جنون در حین ارتکاب جرم از عوامل رافع مسؤولیت کیفری است. این عوامل، شخصی هستند؛ در نتیجه تأثیری در مسؤولیت کیفری شرکاء و معاونین جرم ندارند؛ مگر خود آن‌ها هم از این عوامل شخصی برخوردار باشند.

۴- جنون پس از ارتکاب جرم، رافع مسؤولیت کیفری نیست، اما اجرای کیفرها (به استثنای کیفرهای مالی و سالب حق) در حال جنون با اهداف آن‌ها در تعارض است؛ بنابراین مراجع قانون‌گذاری و قضایی باید به سوی منع اجرای واکنش‌های اجتماعی سرکوب‌گرانه در حال جنون گام بردارند و واکنش‌های اجتماعی پیش‌گیرانه را در مورد کلیه مجرمان مجنون خطرناک، مورد حکم قرار دهند؛ زیرا نفع جامعه و چنین اشخاصی در اجرای چنین تدابیری درمورد آنان است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- Defenses
- ۲- Excuses
- ۳- McNaghton Rules
- ۴- Diminished Responsibility

منابع

- ۱- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی، مسؤولیت کیفری چ ۱، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۶
- ۲- دانش، تاج‌زمان، مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست، چ ۹، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۸۱
- ۳- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، چ ۷، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۶
- ۴- دهخدا، علی‌اکبر، فرهنگ دهخدا، چ ۲، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
- ۵- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چ ۲۷، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۴
- ۶- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، چ ۸، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۴
- ۷- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، چ ۵، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۴

- ۸-ایبراهمسن، دیوید، روان‌شناسی کیفری، مترجم پرویز صانعی، چ ۲، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۱
- ۹-کلارکسون، سی ام وی، تحلیل مبانی حقوق جزا، مترجم حسین میرمحمد صادقی، چ ۲، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، ۱۳۷۴
- ۱۰-میرمحمد صادقی، حسین، جنون، مستی و صغر سن در اساس نامه دادگاه کیفری بین المللی، ماهنامه‌ی دادرسی، ۱۳۸۳، ش ۴۴
- ۱۱-نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چ ۱۳، گنج دانش، تهران، ۱۳۸۴
- ۱۲-ولیدی، محمد صالح، بایسته‌های حقوق جزای عمومی (مختصرالنافع)، چ ۱، انتشارات خورشید، ۱۳۸۲
- ۱۳-گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳) چ ۱۱، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۴
- ۱۴-آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، چ ۹، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴
- ۱۵-آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، چ ۲، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۶
- ۱۶-زراعت، عباس، مهاجری، علی، آیین دادرسی کیفری، چ ۲، انتشارات فکرسازان، ۱۳۸۳
- ۱۷-گرچی، ابوالقاسم (با همکاری روشن‌علی شکاری و حسین فریار)، حدود و تعزیرات و قصاص، چ ۱، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱
- ۱۸-ایرانی ارباطی، بابک، مجموعه نظرهای مشورتی جزایی، چ ۱، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۴